

## نقش کارآفرینی در رشد اقتصاد و بهره‌وری

جلیل اجلی<sup>۱</sup>، علی رسولی<sup>۲</sup>

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه

Jalil.ajali@yahoo.com

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه

### چکیده:

با نگاهی به کشورهای موفق جهان دیده می‌شود که این کشورها بهای لازم را به نیروی انسانی کارآفرین به عنوان مهم‌ترین عامل تولیدی می‌دهند و در مقابل، این نیرو با بالا بردن بهره‌وری خود در منافع حاصل از کارآفرینی و تولید سهیم می‌شوند. بهره‌وری پایین کارآفرینان در سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات مختلف ناشی از عوامل گوناگونی است متناسب با این عوامل روش‌های متفاوتی نیز برای رفع مشکلات وجود دارد به کلیه تلاش‌های سیستماتیک و ساختار یافته برای حذف یا کاهش تلفات ناشی از مواد، ماشین، انسان و یا تعادل نادرست بین آن‌ها نظام ارتقای بهره‌وری گفته می‌شود. در دوران حاضر به علت پویایی و پیچیدگی محیط رقابتی، نیاز سازمان‌ها به نیروی فکری و قوه خلاقانه کارکنان و کارآفرینان افزایش یافته است. باید به دنبال شیوه‌هایی بود که با ایجاد انگیزش در نیروی انسانی و افراد کارآفرین موجبات برتری سازمان را فراهم آورند. تحقیق حاضر به توصیف و تحلیل ارتقاء بهره‌وری کارآفرینان به عنوان شیوه مناسب انگیزش و به تبع آن بهره‌وری و اثر بخشی سازمان پرداخته است. این مقاله به نقش کارآفرینی در بهره‌وری و رشد اقتصادی اشاره می‌کند، یافته‌های پژوهش‌های متعدد در اقصی نقاط دنیا نشان می‌دهد که کارآفرینی به طور معنی‌داری اشتغال را افزایش می‌دهد، رشد بهره‌وری را تسریع می‌کند، در ایجاد نوآوری و فرآیند تجاری سازی آنها نقش قابل‌انکاری دارد و در مجموع از مهم‌ترین توضیح‌دهنده‌های رشد اقتصاد است. تغییرات مهم در مؤلفه‌های مربوط به نیروهای محرک رشد اقتصادی، ویژگی‌های محیطی، و مکانیسم کارکرد بنگاه‌ها در این تحول بنیادین در نگاه به رشد مؤثر بوده است و دلایل و شواهد تجربی نیز به نحو روز افزونی در حال افزایش است.

**کلید واژه‌ها:** کارآفرینی، بهره‌وری، رشد اقتصادی، رشد بهره‌وری

## مقدمه:

کارآفرینی امروزه به عنوان موضوعی بین رشته‌ای مطرح است و عموماً از ترکیب چهار دیدگاه اقتصاد، مدیریت، جامعه‌شناسی و روانشناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد که هر چهار دیدگاه و رویکرد در مورد بهره‌وری نیز صدق می‌کند. البته اصطلاحات به کاررفته در این رشته‌ها، اغلب به طور مبهم تعریف شده‌اند و غالباً درک درستی از آن‌ها وجود ندارد و سپس ادبیات مربوط به عملکرد علمی و عملی طی ۳۰ سال گذشته مورد بازنگری قرار می‌گیرد. معنای اصطلاحاتی چون بهره‌وری، عملکرد، کارآفرینی، کارایی و اثربخشی چنین می‌باشد. از آنجایی که ایجاد یک دستور زبان مشترک کار ساده‌ای نیست، باید این حقیقت را پذیرفت که افراد برداشت‌های گوناگونی از اصطلاحات توضیح داده شده خواهند داشت. اغلب شیوه‌های سنجش و بهبود، بدون درک روشنی از آن چه باید اندازه‌گیری شود یا بهبودیابد، به کار گرفته می‌شوند. به دلیل این رویکرد عملگرایی نسبت به بهبود، فرصت فهم کامل و سپس به حد اکثر رساندن عوامل اساسی و مؤثر در رقابت پذیری و موفقیت به سادگی از دست می‌رود. در این بین اما معنا و مفهوم مقوله «کارآفرینی» نیز همانند بسیاری از مفاهیمی که در حوزه علوم انسانی مورد بحث و بررسی است، در فرهنگ لغات ما واژه‌هایی چون «روشنفکر»، «تهاجم فرهنگی» «بوروکراسی» و... نیز از همین دسته می‌باشند، ولی واژه کارآفرینی از آن دسته مفاهیمی است که مانند مفاهیمی چون مهندسی ذهن و به علت عدم استفاده صحیح و کاربرد غیر تخصصی دچار «واژگونی مفهوم» شده است.

## مفهوم واژه کارآفرینی

هر چند کارآفرینی قدمتی به اندازه تاریخ بشر دارد اما در این جا بحث کاربرد واژه کارآفرینی است. واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی "Entreprendre" به معنای متعهد شدن نشأت گرفته است. بنا بر تعریف واژه نامه دانشگاهی وبستر کارآفرین کسی است که معتقد می‌شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند. واژه کارآفرینی دیر زمانی پیش از آن که مفهوم کلی کارآفرینی به زبان امروزی پدید آید، در زبان فرانسه ابداع شد. کارآفرین و کارآفرینی اولین بار مورد توجه اقتصاد دانان قرار گرفت و تمامی مکاتب اقتصادی از قرن شانزدهم میلادی تاکنون به نحوی کارآفرینی را در نظریه‌های اقتصادی خود تشریح نموده‌اند. و تعریف زیادی از کارآفرینی شده است. ریچارد کانتیلون به عنوان اولین ابداع کننده واژه کارآفرینی در حدود سال ۱۷۳۰ با تفکیک قایل شدن بین زمین داران، دستمزد بگیران و کارآفرینان، کارآفرین را این گونه تعریف می‌کند. "فردی که ابزار تولید را به منظور ادغام آن‌ها برای تولید محصولاتی قابل عرضه به بازار ارائه می‌کند. وی ریسک پذیری را از مشخصات فرد کارآفرین معرفی می‌کند. از دیگر اقتصاد دانان مطرح که در زمینه کارآفرینی نظراتی دارد جان استوارت میل است که کارآفرینی را شامل هدایت، نظارت، کنترل و مخاطره پذیری می‌داند و عامل متمایز کننده مدیر و کارآفرین را مخاطره پذیری معرفی کرد. ژوزف شومپیتر از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۲ در دانشگاه بن و از آن به بعد در دانشگاه هاروارد تدریس می‌کرد: کارآفرینی را نیروی محرکه اصلی در توسعه اقتصادی می‌دانست و نقش وی عبارت است از نوآوری یا ایجاد ترکیب‌های تازه از مواد. از دیدگاه وی ارائه کالاهای جدید، ارائه روشی جدید در فرآیند تولید، گشایش بازاری تازه، یافتن منابع جدید و ایجاد هر گونه تشکیلات جدید در صنعت کارآفرینی است. ویلکن معتقد است کارآفرینی به عنوان یک تسریع کننده جرقه رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می‌کند.

## مفاهیم مربوط به کارآفرینی

**کارآفرینی سازمانی** : فرآیندی است که در آن محصولات یا فرآیندهای نوآوری شده از طریق القاء و ایجاد فرهنگ کارآفرینانه در یک سازمان از قبل تأسیس شده ، به ظهور می رسند. به تعریفی دیگر : فعالیت های کارآفرینانه فعالیت هایی است که از منابع و حمایت سازمانی به منظور دست یابی به نتایج نوآورانه برخوردار می باشد.

**کارآفرین سازمانی**: کسی که تحت حمایت یک شرکت ، محصولات ، فعالیت ها و تکنولوژی جدید را کشف و به بهره داری می رساند.

**کارآفرین (مستقل)** : فردی که مسئولیت اولیه وی جمع آوری منابع لازم برای شروع کسب و کار است و یا کسی که منابع لازم برای شروع و یا رشد کسب و کاری را بسیج می نماید و تمرکز او بر نوآوری و توسعه فرآیند ، محصول یا خدمات جدید می باشد. به عبارت دیگر ، کارآفرین فردی است که یک شرکت را ایجاد و اداره می کند و هدف اصلی سود آوری و رشد است . مشخصه اصلی یک کارآفرین ، نوآوری می باشد.

**کارآفرین شرکتی** : کارآفرینی شرکتی به مفهوم تعهد شرکت به ایجاد و معرفی محصولات جدید و نظام های سازمانی نوین است .

## نقش کارآفرینی در بهره وری و رشد اقتصاد

### اهمیت رشد و ارتقاء بهره وری

بهره وری در دست یابی به اهداف ملی ، بازرگانی ، تجاری و شخصی دارای اهمیت است . منافع رشد بهره وری بیشتر برای همگان روشن است چرا که درآینده می توان به میزان زیادتری با منابع کمتر یا همان میزان منابع دست به تولید زد و میزان سطح زندگی را افزایش داد . با اصلاح بهره وری می توان سهم منافع اقتصادی آینده را بزرگ تر نمود و نسبت سهم هر نفر را در آن افزایش داد . با توسعه سهم منافع اقتصاد آینده ، می توان تضاد بین گروه هایی را که برای کسب بخش کمتری از این سهم با یکدیگر مبارزه می کنند را کاهش داد. رشد مداوم در بهره وری تنها راه یک ملت برای مبارزه با مشکلات اساسی همانند تورم ، بیکاری ، افزایش کسری بازرگانی و پول ناپایدار است. از بعد فردی ، رشد بهره وری در افزایش استاندارد واقعی زندگی و به کارگیری منابع موجود به بهترین وجه برای اصلاح کیفیت زندگی است.

### کارآفرینی و بهره وری عظیم ملی

اگر از منابع کشورمان به خوبی استفاده نماییم با توسعه سریع اقتصادی مواجه خواهیم شد ، و با معادن وسیع سنگ آهن که در کشورمان وجود دارد ، ایجاد کارخانه های ذوب آهن می تواند علاوه بر بهره برداری از مواد اولیه برای شارژ صنایع داخلی ، با صدور مازاد بر مصرف آن ، ارز بسیاری را به کشور سرازیر کند. کارآفرینی همچنین راهی برای استفاده بهینه از منابع مالی خانواده و پس اندازهای شخصی ایجاد می کند که چشم پوشی از آن می تواند بخشی از

اقتصاد خانواده را صرف تجمل گرایی (خرید اقلام وارداتی) و یا هرزروی آن گرداند. کارآفرینی یک ویژگی است که مدیر می تواند داشته باشد. ایجاد یک سازمان یا مؤسسه جدید از ابتدا از ویژگی های کارآفرین است. کارآفرین موتور توسعه اقتصادی است یعنی او نیرویی حرکت آفرین و اثربخش دارد. بصیرت یا بینش که مبوب به عمق آگاهی ها و بینش و دید فرد می باشد. مدیر کارآفرین و دارای بصیرت، فرصت ها را شناسایی می کند مثلاً بازار را شناسایی می کند و می داند خلاء هایی هست. مثلاً یک نمونه آن همین روزنامه های رنگی است که چندین سال در ایران روزنامه سیاه و سفید بود ولی فردی خلاء را شناخت و کارآفرینی کرد. کارآفرین ها همیشه اولین ها هستند. اولین صادرات، اولین تولید، اولین محصول و اولین فرآیند. تعیین استراتژی های کار مرحله بعدی است وقتی تعیین شد که فرد کارآفرین بنساز باشد یا پیکان ساز و پس از این کار، بازار را هدف گیری می کند.

از ابتکاراتی که در واقع کارآفرین انجام می دهد سرعت بسیج منابع است. اتلاف وقت نمی کند. طبیعی است در این فرآیند آن چه که کارآفرین به آن می رسد رضایت مشتری است. زیرا کارآفرین وقت نمی کند زیرا کارآفرین خدمات یا محصولی ایجاد کرده که دیگران به آن نپرداخته اند و چون انسان تنوع گراست از محصول جدید استقبال می کند. دانش مدیریت می گوید اگر مکانیسمی ایجاد کنیم که مدیر کارآفرین تربیت شود، آن گاه سازمان های بزرگ هم می توانند این کار را بکنند. حالا مفهوم جدیدی درست کرده اند بنام کارآفرین سازمانی یعنی سازمان های بزرگ و عمومی کشور هم می توانند کارآفرینی داشته باشند مثلاً شرکت پست کارآفرینی جدیدی را ارائه کرد زیرا خدمات جدیدی را به مردم داد که قبل از آن وجود نداشته است. شرکت های مختلف دیگر هم وجود دارند. اغلب افراد با شرکت زمزم آشنا هستند، در چهار سال گذشته مدیران شرکت زمزم به دنبال بصیرتی بودند که چگونه می توانند نوشابه را کیفیتی بهتر بخشند.

## نتیجه گیری:

کارآفرینی به عنوان یک حالت اولیه در توسعه اقتصادی تلقی گردیده و در حقیقت باعث ایجاد شغل در شرکت های کارآفرین می شود و همچنین پژوهشگران به بررسی نقش کارآفرینی در رشد و توسعه بازار های اقتصادی و بهره وری پرداخته اند و در این مورد اتفاق نظر کامل دارند و بخش عمده ای از پژوهش های ایجاد شده فرض را بر این گرفته است که کارآفرین می تواند به عنوان راننده اقتصادی در نظر گرفته شود. در بیشتر کشورهای روبه رشد واز جمله ایران، مسئله رشد اشتغال و پدیده بیکاری به عنوان یکی از مشکلات اقتصادی محسوب می شود، لذا اهمیت و نقش کارآفرینی در ایجاد فرصت هایی برای اشتغال و در نتیجه افزایش بهره وری و رشد اقتصادی را نمی توان نادیده گرفت. در کارآفرینی بحث از به کارگرفتن فکر، ابتکار، خلاقیت و فرصت آفرینی است. لذا برای دست یابی به آن، در ابتدا باید جنبه ها و ابعاد گوناگون کارآفرینی را شناسایی کرد

وسپس با سرمایه گذاری ، این ابزار اقتصادی را تقویت کرد آن چه که مطمئناً بخش اعظمی از دغدغه های ذهنی مدیران را تشکیل می دهد، توجه کافی به نیروی انسانی و به تبع آن به کارآفرینان سازمانی به عنوان بهترین و کوتاه ترین راه توسعه و رشد کیفی و کمی سازمان می باشد و در نظام مقدس جمهوری اسلامی جز این انتظار نمی رود. طبیعتاً مدیران علاقمندند تا تمام ابزارهای مدیریتی را به کار بگیرند تا کارکنانی بهره ور ، پویا و کارآفرین داشته باشند و برای این اقدام نیاز به شناخت عواملی هستند که باعث افزایش بهره وری کارآفرینان سازمانی می شود و این گونه تحقیقات کمک زیادی به مدیران خواهد نمود.

. در این بین ، دولت در بستر سازی برای کارآفرینی نقش بسیار مهمی دارد و می تواند فرهنگ ارزشی کشور را تغییر دهد و از طرفی ، بخش دولتی یکی از بخش هایی بوده که تأثیر به سزایی در فرصت های شغلی داشته است . توسعه کارآفرینی مقوله مهمی است که دولت ها با اجرای برنامه ها و سیاست هایی در راستای آن گام بر می دارند . هر چند در هر کشوری بنا به مقتضیات آن ، اهداف خاصی در راستای منافع آن کشور از توسعه کارآفرینی مد نظر قرار می گیرد ، ولی در مجموع دولت ها اهداف همانندی را دنبال می کنند . از مهم ترین این اهداف می توان به افزایش اشتغال ، توسعه اقتصادی ، افزایش رقابت در اقتصاد و توسعه کارایی بازار ، افزایش نوآوری و توسعه انتشار فناوری ، کمک به افزایش صادرات ، دستیابی به توسعه منطقه ای ، کاهش انحصار شرکت های بزرگ و تمرکز زدایی و افزایش مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد اشاره کرد . برای دستیابی به این اهداف ، دولت ها باید شناخت کاملی از مشکلات کسب و کارهای کوچک داشته باشند .

## منابع :

۱. الوانی، سید مهدی (۱۳۸۸) مدیریت عمومی، تهران، انتشارات نشر نی،
۲. ابطحی، سید حسین و کاظمی، بابک (۱۳۸۳) بهره وری، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
۳. خاکی، غلامرضا (۱۳۸۸) «مدیریت بهره وری، تجزیه و تحلیل آن در سازمان» چاپ سوم، تهران، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی
۴. صنوبر، ناصر. (۱۳۸۶)، "نقش کارآفرینی در توضیح رشد اقتصادی و تکالیف" دولت، کنفرانس ملی کارآفرینی، خلاقیت و سازمان های یادگیرنده
۵. ماهوشی، افشین. (۱۳۸۸) "تأثیر فرهنگ سازمانی کارآفرینی در توسعه فرهنگ بهره وری در جامعه"، انجمن بهره وری ایران
۶. احمدپور دریانی، محمود. (۱۳۸۷). "کارآفرینی (تعریف، نظریه ها، الگوها)"، تهران، انتشارات جاجرمی
۷. رکوک، جیمز (۱۳۸۷). "پیش به سوی کارآفرینی"، ترجمه میترا تیموری، تهران، نشر آموزه
۸. احمد پور دریانی، محمود و مقیمی سید محمد (۱۳۸۵)، "مبانی کارآفرینی"، تهران، انتشارات فراندیش

1) Sobel Russell S (2008), "Institutional quality and the productivity of entrepreneurship"

Journal of Business Venturing 23 , pp.641-655

- 2) "Institutions and the shaping of different forms of entrepreneurship" The Journal of Socio-Economics ,39 pp.436-444
- 3) Bajona Claustre, Locay Luis, (2009) " Entrepreneurship and productivity: The slow growth of the planned economies", Review of Economic Dynamics 12 ,pp.505-522
- 4) Minniti Maria, Levesque Moren (2010) "Entrepreneurial types and economic growth" Journal of Business Venturing 25,pp 305-314
- 5) Eisenberger, R., Fasolo, P., & Lynch, P. (1998). Perceived organizational support and police performance: The moderating influence of socioemotional needs. Journal of Applied Psychology, 83, 288-297
- 6) Help, John, productivity management, (Cassell, 1992)
- 7) Hofstede, Geert (1997). Cultures and Organizations, Mc Graw-Hill Inc.
- 8) Levine, Hermine Z., "Human Resources", Compensation and Benefits Review, Vol , 29 No.4, July/August 1997
- 9) Nemertes Jan (2005) improving worker productivity campaign, collateral, improving, productivity\_ customer